

جایگاه حریم خصوصی افراد در حقوق مدنی و قوانین موضوعه ایران

مرضیه شجاعی کاریزکی^۱

^۱ کارشناسی ارشد فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه-ایران

چکیده

برطبق قوانین مدنی و شهروندی جمهوری اسلامی ایران، حریم خصوصی یک حق انسانی است که نتیجه‌ی رعایت و حفظ آن احساس امنیت و آرامش افراد یک جامعه است. حریم شخصی یا خصوصی به افراد این امکان را می‌دهد تا برای محافظت از خود در برابر مداخلات غیر مجاز در زندگی‌شان مرزهایی ایجاد کنند. به زبان ساده‌تر حریم خصوصی همان اطلاعات و زندگی شخصی افراد است. چرا که هر شخص دارای اطلاعات با ارزشی است که فاش شدن یا دسترسی غیر مجاز به آن اطلاعات ممکن است به نوعی باعث رنجش و صدمه به او شود. قابل ذکر است حریم خصوصی مربوط فرد خاصی نیست و شامل تمامی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها و... می‌شود. همچنین حریم خصوصی دارای وسعت اطلاعاتی خاصی نیست و بر اساس فرهنگ و اشخاص مختلف متفاوت است. اگر چه جامعه هنوز به نقطه قابل قبولی از حفظ حریم شخصی افراد نرسیده است اما به این حق به عنوان یک اصل مهم در قوانین منطقه‌ای و بین المللی پرداخته شده است و قوانین متعددی در حقوق مدنی در این زمینه تصویب شده‌اند و اکثر کشورهای جهان از این قوانین تبعیت می‌کنند. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای از کتب مهمی همچون جواهر الکلام (نجفی)، جامع المدارک (خوانساری)، وسائل الشیعه، تحریر الوسیله امام خمینی (ره) فیش برداری شده است. بنابراین براساس قوانین موضوعه در جمهوری اسلامی ایران مانند سایر کشورهای جهان حفظ و رعایت حریم خصوصی افراد محترم شمرده شده و همه افراد در یک جامعه می‌توانند بارعایت حریم خصوصی خود و اطرافیان زندگی امن و آرامشی را برای خود و خانواده فراهم کرده و از بسیاری از ناهنجاری‌ها و مشکلات رفتاری جلوگیری کنند و در صورت عدم رعایت با اجرای قانون به رعایت این اصل مهم در زندگی اجتماعی برآیند. بنابراین ما در این مقاله درصدد هستیم یکی از مهم‌ترین مسائل یعنی حریم خصوصی افراد را در قوانین موضوعه مورد بررسی قرار داده و راهکارهای مقابله با افراد و گروه‌ها را در شکستن حد و مرز حریم خصوصی بیان نماییم.

واژه‌های کلیدی: حریم خصوصی، اشخاص، فقه امامیه

مقدمه:

پیشینه ادبیات حریم خصوصی در حقوق موضوعه را می توان به قرون هجدهم و نوزدهم و ظهور لیبرالیسم در اروپا دانست. هنگامی که مهمترین شاخصه دولتهای لیبرال تفویض آزادیهای فردی و توسعه جریانهای فردگرا بود. برخی معتقدند اولین کاربرد اصطلاح «حریم خصوصی» به معنای امروزی آن مربوط به قرن ۱۹ میلادی می شود، چرا که قبل از آن مفاهیمی همچون افتراء، افشاء اسرار شغلی و مصونیت مسکن و در مفهومی عامتر، حق مالکیت با اصطلاح مذکور همپوشانی داشتند؛ لیکن در قرن ۱۹ میلادی برای اولین بار ساحتی از حریم خصوصی تحت عنوان «حق تمتع از خلوت» در مجله حقوقی هاروارد مطرح شد.

در جمهوری اسلامی ایران هم همچون سایر کشورها به این موضوع در بندهای مختلف پرداخته شده و رعایت آن جزء الزامات زندگی اجتماعی است چنانکه در ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی تعریف از حریم خصوصی ارائه شده است: «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی و شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل های کار، اطلاعات شخصی و یا ارتباطات خصوصی با دیگران «حریم خصوصی» محسوب می شوند». همچنین حریم خصوصی را می توان فضایی دانست که نمی توان بدون اجازه شخصی به آن تجاوز و یا تعرض کرد. در واقع دسترسی به آن فضا برای دیگران امکان پذیر نیست.^۱

واژگان مرتبط با حریم خصوصی

بارزترین واژگان " فارسی " مرتبط با حریم خصوصی عبارت اند از:

۱- کرامت انسانی ۲- خلوت ۳- محرمانگی ۴- تحفظ ۵- حقوق شهروندی ۶- حقوق بشر ۷- اشخاص کرامت انسانی

کرامت در لغت به معنی بزرگی ورزیدن، بزرگی و ارجمندی است. مطابق آیه (ولقد کرمتنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً)^۳ انسان از دیدگاه اسلام و دیگر ادیان حقه الهی دارای کرامت ذاتی و دارای استعداد تکامل ارزش والایی است.^۴

بطور کلی قرآنی انسان را در میان دو بی نهایت معرفی کرده است. در بعد حیوانی تا بی نهایت دنائت و پستی و در بعد انسانی تا نهایت عزت و کرات. بشر از جنبه مثبت انسانی موجودی برتر، آگاه، امانتدار، خلیفه خدا در روی زمین و صاحب فضیلت و کرامت است این امر در آیه مبارکه (و اذقال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه)^۵ به خوبی نمایان شده است. در اسلام دو نوع کرامت برای انسانها ثابت شده است:

۱- انصاری، ولی الله، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی). ص ۲۷۰.

عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۱۹۵۳.

اسرا. ۱۷. آیه ۷۰.

بقره. ۱. آیه ۳۰.

بقره. ۱. آیه ۳۰.

۱- کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی، که همه انسان ها، مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویش و دیگران، آن کرامت را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند.

۲- کرامت ارزشی از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می گردد. این کرامت اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسان مربوط به همین کرامت است و به این نوع از کرامت در آیه ۱۳ سوره حجرات (عند اکرمکم عند الله اتقکم) اشاره شده است.^۶

جایگاه والایی که خداوند برای انسان قائل است و نیز کرامتی که به او عنایت فرموده در آیات بسیاری به چشم می خورد تحسین خداوند خودش را پس از آفرینش انسان (فتبارک الله احسن الخالقین)^۷ نشانه همین ارزش و جایگاه انسان است. از دیدگاه اسلام هیچ کس نباید امتیازاتی که خداوند به عنوان کرامت و شرف و حیثیت ارزشی به او عنایت فرموده است نقل یا اسقاط کند.^۸

خلوت

خلوت در لغت به معنای تنهایی، جای تنهایی، جایی خالی از غیر می باشد.^۹

بیشتر نظریه پردازان، معتقدند که خلوت، مفهومی معنادار و ارزشمند است. دلایل اما متفاوت است. برخی آن را همچون مفهوم گسترده ای برای کرامت انسانی لازم می دانند. گروهی آن را برای صمیمیت، ضروری می شمارند. عده ای آن را شرط گسترش روابط متنوع و معنا دار در میان اشخاص می دانند.

گروهی به آن به چشم ارزشی نگاه می کنند که به ما توانایی می دهد تا دسترسی دیگران به خودمان را کنترل کنیم. برخی برآنند که حق بر خلوت به عنوان دسته ای از هنجارها نه تنها برای کنترل دسترسی دیگران، که برای بهبود اظهارات و انتخاب های شخصی ضروری است؛ گروهی به آمیزه ای از این دلایل برای نیاز به خلوت استفاده می کنند.^{۱۰}

هر فردی حق دارد محدوده و چهارچوب محافظت شده ای بدون حضور دیگران برای خود برگزیند و آنطور که میل دارند زندگی کنند کسی اجازه ورود به این محدوده را ندارد مگر با رضایت فرد.

"این خلوت است که به ما توانایی می دهد تا کنترل کنیم چه کسی چه چیزی را درباره ما بداند و چه کسی به ما دسترسی داشته باشد."^{۱۱}

نیاز به خلوت نیازی فطری است و اشخاصی که خود را از معرض دید و شنود ناخواسته دیگران دور می سازند در واقع برخورداری از حریم خلوت را طلب می کنند.^{۱۲}

۶- جعفری، محمدتقی، حقوق جهانی بشر ص ۲۷۹.

۷- مومنون (۲۳)/ ۱۴.

۸- جعفری، همان، ص ۲۹۶.

۹- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص

۱۰- نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی. ص ۲۴۶.

۱۱- نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی. ص ۲۴۱.

۱۲- انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، ص ۱۵۹-۳- همان، ص ۲۴۱.

محرمانگی

انسان موجودی اجتماعی است و بنابر ضرورت در زندگی روزمره و اجتماعی خود با افراد بسیاری در ارتباط است. همین ارتباط باعث شده تا انسان نگران دسترسی دیگران به اسرار خود باشد.

افزون بر انسان ها، حیوانات هم بطور غریزی برای خود حریم خصوصی قائل هستند. پنهان کردن غریزی طعمه به صورت رازی شخصی و مکالمه و انتقال رمزگونه اطلاعات به یکدیگر بدون امکان دستیابی دیگران، نشانه این است که همه موجودات حریمی را تحت عنوان محرمانگی برای خود قائل هستند. «هنگامی می‌توان نقض حریم خصوصی یک فرد را تأیید کرد که او نتواند مخابره اطلاعات راجع به خویش یا استفاده از آن اطلاعات را که در عرصه‌ی عمومی قابل دسترسی نیست کنترل کند. هرچه تعداد مردمی که اطلاعات شخصی آن فرد آگاه می‌شوند، بیشتر باشد، گستره نقض حریم خصوصی نیز بیشتر خواهد بود».

تحفظ

تحفظ در لغت یعنی خود را حفظ کردن، خودداری کردن، خودرانگهداشتن. "این وضع هنگامی حادث می‌شود که نیاز افراد به محدود ساختن مخابره اطلاعات مربوط به آنها به دیگران و به ویژه کسانی که روابط شخصی با آنها دارند مورد حمایت قانون قرار گیرد."

حقوق شهروندی

شهروند ترجمه فارسی Citizen است. در ایران قبل از مشروطیت بجای واژه شهروند از کلمه رعیت، رعایا استفاده می‌شده است در فرهنگ‌های عمومی کلمه شهروند تعریف نشده است. اما در فرهنگ‌های دوزبانه مثل حییم این کلمه به معنای بومی، شهری، تابع و رعیت آمده است.

واژه شهروند مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی فؤهنگ ضد و «دوند» به معنای عضو، وابسته و در اینجا بیانگر جزء خارجی و لازم شهر است که از این واژه مرکب معنای انتزاعی مناسبی به دست می‌آید که به نوعی در خود، بار عقلانی را داراست و در واقع بدین گونه بیان می‌شوند:

۱- از پذیرش آگاهانه و دلیل ضد نسبت به عضویت در جمع حکایت می‌کند که بر مبنای توجیهات خودپسندی انجام گرفته باشد. پس بر جهانگردی که در جامعه غیر خود باشد صدق نمی‌کند.

۲- قابلیت پذیرش در مجمع و شمارش در ردیف دیگران را داشته باشد، پس فقط شامل انسان می‌باشد.

۳- از وجود رابطه متقابل میان فرد و دیگران در یک جامعه حکایت می‌کند. درست مثل همان نسبت زانی که میان شهر و «وند» موجب پیوند و رسانیدن معنا به شنونده خود می‌باشد، پیوند معنوی میان شهروند و جامعه احساس می‌شود که بیشتر از نوع فرهنگ و مشترکات انسانی می‌تواند باشد. بنابراین مهاجر یا رانده شده ای که به صورت پناهنده در میان جامعه ای دیگر به سر می‌برد شهروند این جامعه به شمار نمی‌آید. مگر آنکه مدت زیادی بگذرد تا آن پیوند به وجود آید.

۴- از وجود تعهدهای دوجانبه میان فرد در جامعه خبر می‌دهد که مهمترین آنها دو چیز است:

الف) حفظ، تقویت، بکارگیری دفاع و پاسداری از اصول ارزشی و هنجارهای رسمیت یافته جامعه توسط شهروند.

ب) در پناه گرفتن و امکان رشد و توسعه دادن به شهروند توسط جامعه.^{۱۵}

۱۳- صفر کویا، کوروش، حقوق شهروندی، ص ۱۵.

۱۴- حییم، سلیمان حییم، یک جلدی / تهران، ۱۳۷۳ نو بهار.

حق شهروندی *droit civique*: حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی. مانند حقوق سیاسی حق التزام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق شدن. بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است.^{۱۶}

حقوق شهروندی حفظ حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی است. اشخاص فرد و جمع را در بر دارد که هر کدام حقوق و تکالیف جداگانه ای دارند. حقوق فردی بخشی از حقوق شهروندی است بدین شرح که هرکجا از حقوق شهروندی به حقوق و تکالیف یک فرد انسانی می‌پردازد حقوق جمعی را هم مد نظر داشته است. بنابراین حقوق فردی جزئی از حقوق شهروندی محسوب می‌شود.^{۱۷}

حقوق بشر

حقوق شهروندی شباهت زیادی به حقوق بشر دارد. حقوق بشر به حفظ حقوق یک فرد انسانی از باب بشر بودن می‌پردازد در حالی که حقوق شهروندی حقوق یک فرد انسانی را از باب شهروند بودن و وابستگی سیاسی به یک جامعه سیاسی مورد توجه قرار می‌دهد.^{۱۸}

اشخاص

اشخاص جمع شخص است و شخص کسی است که موضوع حق قرار می‌گیرد مانند انسان و شرکت تجاری و انجمن‌های خیریه و دولت، بنابراین شخص شامل حقیقی و حقوقی می‌شود. شخص حقیقی شخص طبیعی افراد انسانی را گویند که موضوع حق و تکلیف می‌باشند. شخص حقوقی گروهی از افراد انسان یا منفعتی عمومی که قوانین موضوع آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف قرار داده است مانند شرکت‌های تجاری و انجمن‌ها.^{۱۹} از لحاظ حقوقی شخصی دارای شخصیت است و شخصیت عبارتند از قابلیت است در ایشان که بتواند در جامعه دارای تکلیف و حق گردد و آن را با واسطه یا بدون واسطه اجراء نماید پس در اصطلاح حقوقی شخص به کسی گفته می‌شود که بتواند دارای حق گردد و عهده دار تکلیف شود و بتواند آن را اجراء نماید.^{۲۰}

۱۵- صفر کوپایه، کوروش، همان، صص ۱۶-۱۵.

۱۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ص ۱۷۳۰.

۱۷- صفر کوپایه، کوروش، همان، ص ۲۹.

۱۸- صفر کوپایه، کوروش، همان، ص ۲۷.

۱۹- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۷۸.

۲۰- امامی، حسن، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۱۵۰.

حریم خصوصی در قوانین موضوعه

زندگی در جامعه ای تحت حکومت قانون این انتظار را در افراد ایجاد می کند که حریم خصوصی شان در تمامی ابعاد محترم و از تعرض بیگانگان مصون بماند و در صورت نقض این حریم توسط دیگران بتواند تحت حمایت همین قانون احقاق حق کند. از این رو برای مقابله با ناقصان حریم خصوصی افراد وجود مجازات اجرای قانونی و حمایت های مناسب قانونگذار از یک سوء و حمایت و قاطعیت محاکم از سوی دیگر، ضروری است.

لذا جلوه های حمایت از حریم خصوصی را می توان با نحوه نگرش قانون گذار به موضوع حریم خصوصی و میزان اهتمام او به صیانت از این حق مرتبط دانست. هر اندازه قانون گذار به اهمیت ضرورت حفظ حریم خصوصی افراد توجه و سختگیری بیشتری نشان دهد به همان میزان نیز از حریم خصوصی افراد دفاع خواهد نمود. در نظام حقوقی ایران موضوع حریم خصوصی و حق بر حریم خصوصی بصورت مشخص، دقیق، مدون و در رقابت قانونی خاص مورد حمایت قرار نگرفته است، لکن حقوق و آزادی هایی که تحت عنوان «حریم خصوصی» حمایت می شوند بطور ضمنی و موردی در برخی از قوانین احصاء شده است.

قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون دادرسی کیفری، قانون آئین دادرسی مدنی، قوانین و مقررات مربوطه به ارتباطات پستی، تلفنی، اینترنتی، قانون مطبوعات در زمره قوانین و مقرراتی هستند، که گاه صنفی و گاه صریحاً از برخی مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده اند. هر یک جداگانه مورد بررسی قرار می گیرند:

با توجه به نسبی بودن حریم خصوصی و این که به چه عواملی بر این نسبت تأثیر گذار است و افراد جامعه در چه زمانها و مکانها و وضعیتهایی می توانند ادعای حریم خصوصی داشته باشند، در اینجا بحث انتظار متعارف معقول و مشروع مطرح می شود.

عوامل و اوضاع و احوالی که برای احراز متعارف و معقول و مشروع بودن ادعای افراد درباره حریم خصوصی استفاده می شوند دایره انتظار آنها را از حریم خصوصی ترسیم می کند.

۱- عمومی و یا خصوصی بودن مکان نقض حریم خصوصی: به لحاظ منطقی ترکیب حق مالکیت و حق حریم خصوصی، یک حق تعالی نسبت به حریم منازل ایجاد کرده است که چنین حقی در دیگر اماکن خصوصی نیست.

۲- عادی یا حساس بودن موضوع حریم خصوصی: گاهی حریم زندگی عاطفی شکسته می شود و گاهی در مسائل معمولی و روزمره زندگی فرد دخالت می شود

۳- استفاده احتمالی از اطلاعات حاصل از نقض حریم خصوصی

۴- وسایل و روشهای نقض حریم خصوصی: در واقع شدت نقض حریم خصوصی بر حسب نوع وسیله ورود به حریم خصوصی تفاوت دارد.

۵- وضعیت و موقعیت نقض حریم خصوصی

۶- رضایت و یا عدم رضایت فرد نسبت به نقض حریم خصوصی اش: هر نوع گفتار یا رفتاری از جانب دارنده حریم خصوصی صریح یا ضمنی نشان دهد وی از حریم خصوصی خود بطور کلی یا جزئی عدول رکنه است، متناسب با آن عدول، وی را از حمایتهای حریم خصوصی کلاً یا جزئاً محروم می کند. بطور کلی یا جزئی؟

۷- وجود یا نبود رابطه بین مدعی حریم خصوصی و نقض کننده آن: وجود روابط استخدامی و کاری، زناشویی، ابوت، وکیل و موکل، بیمار و پزشک، استاد و دانشجو، معلم و دانش آموز و سایر روابط مشروع می تواند بر میزان (انتظار متعارف و معقول) از حریم خصوصی تأثیر بگذارد و ورود بر عرصه هایی از زندگی خصوصی افراد را که بدون وجود این رابطه ممنوع بود، مجاز سازد با این حال نباید فراموش کرد رگه ای از حریم خصوصی حتی در صمیمی ترین روابطه نیز وجود دارد.^{۲۱}

۲۱- انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، ص ۳۸ - ۲۴

قانون اساسی

فصل سوم از قانون اساسی به حقوق ملت پرداخته است. در بحث «حقوق ملت» سخن از انسان است. انسانی که اشرف مخلوقات نامیده می شود و جهان با تمام امکانات، نعمات و مواهب برای وی در خدمت اوست. انسانی که در عالم خلقت مقام خلیفه الهی در زمین را یافته و بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم شده است، انسان به طور اعم یعنی در هر وضع و موقعیت و صرف نظر از جنس، نژاد، رنگ، خصوصیات مورثی و اجتماعی، مشخصات اخلاقی و عقیدتی موجودی است آزاد و مستمع از یک سلسله حقوق و باید در تمام جوامع با هر نوع حکومت و تحت هر سلیقه و برداشت بتوانداز همه این حقوق و آزادیها بطور کامل برخوردار شود و تا زمانی که در راستای حق و قانون و در غیر صدمه به اجتماع و افراد دیگر حرکت می کند هیچ کس نباید در او مانعی ایجاد کند و به مقام والای انسانیت او لطمه وارد کند در چنین شرایطی آدمی می تواند مدارح عالی کمال را پیماید.^{۲۲}

در یک دست بندی کلی حقوق ملت را به سه دسته حقوق قضایی؛ حقوق مدنی یا سیاسی؛ حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی می توان تقسیم کرد.

حقوق قضایی (ناشی از اجرای عدالت)

۱-۱) حق مراجعه به مرجع قضایی، دادخواهی و انتخاب وکیل
هر شخص که مورد ظلم و تعدی واقع شود حق دارد به مراجع قضایی ذیصلاح برای احقاق حق و بیان تظلم مراجعه مند و رفع ظلم و تعدی را تقاضا کند. مرجع ذیصلاح نیز باید براساس قانون دادخواهی کند تا نظم جامعه مختل نشود.
ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع به موثر به محاکم ملی مصالحه را دارد.»

اصل سی و چهارم قانون اساسی می گوید: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.»
همچنین در اصل سی و پنجم برای شاکی که توانایی مالی ندارد تعیین وکیل الزامی است.

۲-۱) مصونیت از تعرض، هتک حرمت و حیثیت

ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید، مورد مداخله های خود سزانه واقع شود و شرافت، اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار بگیرد.»
اصل بیست و دوم قانون اساسی: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تفرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»
اصل سی و نهم قانون اساسی: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»
این اصل نشان دهنده این است که تدوین کنندگان قانون اساسی تا چه حد برای حیثیت اشخاص حتی متهمین و مجرمین ارزش قائل شده اند.
هتک به معنای پرده دری، کشیدن و کندن پرده از جای خود و رسوا کردن کسی است.

^{۲۲} - آشنایی با قانون اساسی: زراعت، عباس، ص ۷۹.

حرمت به معنای آبرو ارجمندی و آنچه شکستن آن روانیست و همچنین به معنای آنچه حفظ و نگهداری و محترم داشتن آن واجب است، می باشد.

معنای لغوی حیثیت، آبرو و اعتبارات به معنی اسلوب، وضع و مترادف آمده است.^{۲۳}

۳-۱) ممنوعیت سلب آزادی، بازداشت غیر قانونی و تبعید

اصل سی و دوم قانون اساسی بیان می کند: «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از ان اصل طبق قانون مجازات می شود.»

در مورد آزادی شهروندان و انتخاب محل اقامت و عدم الزام آنها به اقامت در محل معین یا نقل مکان از محل مشخص و سکونت در محل دیگر و موضوعاتی مانند این ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می کند:

«هرکس حق دارد در داخل کشور آزاده عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند.»

قانون اساسی در اصل سی و سوم به این نکته اشاره می کند که: «هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.»

۴-۱) اصل قانونی بودن جرم و مجازات:

در این رابطه اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۲ ماده ۱۱ می گوید:

«هیچ کس برای انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است محکوم نخواهد شد...»

اصل سی و ششم قانون اساسی تأکید می کند: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

اصل یکصد و شصت و ششم هم بیان می کند: «احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.»

همچنین اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین یا اثر نداشتن نسبت به گذشته یکی از نتایج اصل قانونی بودن و مجازات است که در اصل یکصد و شصت و نهم آمده است: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.»

^{۲۳} - عمید، حسن، ص ۱۹۹.

۵-۱) اصل برائت

در اصل برائت فرض بر بی گناه است و هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود بی گناه فرض می شود تا این که مجرمیت او مطابق قانون احراز شود. این موضوع مهم در بند یکم از ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصل سی و هفتم قانون اساسی آمده است.

ماده ۱۱: بند ۱- هرکس که به ارتکاب جرمی متهم شود این حق را دارد که بی گناه فرض شود تا زمانی که جرم او براساس قانون در یک دادگاه علنی که در آن تمامی ضمانت های لازم برای دفاع او وجود داشته باشد ثابت شود.

بند ۲- هیچ کس را نباید به دلیل انجام یا خودداری از انجام عملی که در هنگام ارتکاب، طبق قوانین ملی و یابین المللی جرم محسوب نمی شده است مجرم شناخت و نیز کیفری شدیدتر از آن که در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده نبایداعمال شود. اصل سی و هفتم: « اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. »

اصل سی و هفتم: « اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. »

۶-۱) ممنوعیت شکنجه:

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

همچنین اصل سی و هشتم قانون اساسی تأکید می کند: « هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و همچنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. »

۷-۱) اصل رسیدگی در مراجع قضای صالح:

اصل شصت و یکم تصریح می کند: « اعمال قضیه بوسیله دادگاه های دادگستری است و باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی می پردازد. »

حقوق مدنی سیاسی**۱-۲) تساوی:**

ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می کند: « هر کس می تواند بدون هیچ تمایز مخصوصاً از حیثیت نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولایت یا موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردند... »

بند ج اصل دوم قانون اساسی با مضمون « نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی، سلطه پذیری و قسط و عدل » لزوم تساوی انسانها را بیان می کند.

بند ۹ از اصل سوم قانون اساسی، دولت را به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه های مادی و معنوی مکلف کرده است.

اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی مصداق بارز تساوی یا برابری برای آحاد مردم است که متن آنها به ترتیب بیان می شود:

اصل ۱۹: «مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.»
اصل ۲۰: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»
همچنین اصل یکصد و هفتم سلطه عام قانون را به نمایش می‌گذارد و اشخاص معین و مقامات خاص همچون رهبر را در برابر قوانین سایر کشورها مساوی می‌داند.

۲-۲) آزادی

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان آزادی را به (آزادی های تن یا شخص) و آزادی (فکر و عقیده) تقسیم کرد.

۲-۲-۱) آزادی تن (آزادی های شخص):

در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حق زندگی برای همه افراد تأکید شده و به امنیت شخص به عنوان حقوق مسلم بشر اشاره کرده است.
در ماده ۱۳ این اعلامیه برای آزادی رفت و آمد تعیین محل اقامت آمده است: «هرکس حق دارد که در داخل کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.»
آزادی رفت و آمد و انتخاب محل اقامت (مسکن) نیز در اصل سی و دوم قانون اساسی آمده است:

۲-۲-۲) آزادی تابعیت:

تابعیت به مفهوم رابطه حقوق بین یک فرد و یک دولت است که به موجب آن فرد وظایفی در برابر دولت دارد و دولت حمایت از فرد را بر عهده دارد.
اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۵ می‌گوید: «اولاً هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد و ثانیاً احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود و یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.»
اصل چهل و یکم قانون اساسی حق تابعیت را این گونه شناسایی می‌کند: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت نماید، مگر به درخواست خود و یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید.»

۲-۲-۳) آزادی انتخاب شغل:

ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید:
۱) «هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخش برای کار خواسته باشد و در مقابل بی‌کاری مورد حمایت قرار گیرد»
۲) «همه حق دارند که بدون هیچ تبعیض، در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند...»
اصل بیست و هشتم قانون اساسی بیان می‌کند:
«هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل از و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند»
۳) اصل چهل و سوم هم بر این موضوع تصریح می‌کند: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسانی در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۴) رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری...»

۲-۲-۴) آزادی فکر

این آزادی شامل آزادیهای اندیشیدن، عقاید، مذهب، بیان و مطبوعات می‌باشد که به آن در بخش چهارم این پژوهش بطور مفصل خواهیم پرداخت.

گفتار سوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در این جا مالکیت، برخورداری از زندگی، سلامتی و رفاه، برخورداری از شرایط عادلانه کار کردن، برخورداری از تأمین اجتماعی و مسکن متناسب، برخورداری از آموزش و پرورش رایگان، تشکیل خانواده و حمایت از زنان و کودکان بررسی می‌شود که به اختصار دو نمونه را ذکر می‌کنیم.

۳-۱) مالکیت

ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این باره اشاره می‌کند: ۱- هر شخص منفرداً یا بطور اجتماع حق مالکیت دارد. ۲- احدی رانمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود. قانون اساسی در اصول ۴۶ و ۴۷ برای مالکیت حاصل از کسب و کار مشروع اشخاص احترام قائل است. (۲)

۳-۲) برخورداری از زندگی، سلامتی و رفاه

ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌کند: « هر کس حق دارد که سطح زندگانی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، نقص عضو، بیوه‌گی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش از دست رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار باشند.»

در این راستا بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی با پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه را از وظایف اصلی دولت می‌داند و در بند یک اصل چهارم و سوم تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه را از ضوابط اساسی اقتصاد جمهوری اسلامی ذکر می‌کند.

نتیجه‌گیری:

قرآن کریم به عنوان بزرگترین و کامل‌ترین قانون اساسی برای جامعه انسانیت به تمامی جوانب زندگی افراد پرداخته است و شأن نزول برخی آیات در ارتباط با حریم خصوصی اشخاص نشانه‌ی ارج نهادن و توجه این دین آسمانی به کرامت انسان و حریم خصوصی افراد است.

از این رو قانون اساسی کشور ما که برگرفته از این کتاب الهی و موازین اسلام ناب محمدی است، خود نمونه‌ای والا از رعایت حقوق بشر در این کشور اسلامی می‌باشد.

لذا با بررسی مواد مختلف قانون اساسی در جنبه‌های مختلف حقوق ملت و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر این نتیجه حاصل می‌آید که هر چند قانون اساسی کشور ما عنوان خاصی به نام « حریم خصوصی » ندارد اما به جنبه‌های

مختلف آن اشاره کرده و در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ومدنی ضمانت اجراهای مختلف آن را پیش بینی کرده است.

منابع

قرآن کریم.

امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۳ش) تحریر الوسیله. (چهار جلدی). چاپ اول. با ترجمه‌ی: علی اسلامی. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.

امامی، حسن (۱۳۹۰ش) حقوق مدنی. (شش جلدی). چاپ سی و یکم. تهران: انتشارات کتاب فروشی اسلامیّه.

حائری، علی (۱۳۸۷ش) شرح قانون مدنی. (دو جلدی). چاپ سوم. تهران: انتشارات گنج دانش.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق) تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. (سی جلدی). چاپ دهم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

رحمدل، منصور (۱۳۸۴) حقّ انسان بر حریم خصوصی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۷۰. تابستان، صص ۱۱۹-۱۴۶.

رفیع، رضا (۱۳۸۹) مصادیق پیشرفته حریم خصوصی. نشریه جام. ۲۳۸.

صاحب جواهر، محمد حسن بن محمد باقر (۱۳۹۳ش) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. (چهار جلدی). محقق: حیدر دباغ. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صفوی، بهاره (۱۳۹۰) چگونه اسرار خود را به فضای مجازی بسپاریم؟ نشریه جام جم. ۲۵۸.

عامری، زهرا (۱۳۸۸) «آسیب شناسی حقّ حریم خصوصی در قوانین و مقررات ایران». کارشناسی ارشد حقوق عمومی. دانشگاه تهران. استاد راهنما: حسین رحمت اللهی. ۱۳۸۸ش.

غلامعلی پور، معین (۱۳۹۴) اهمیت حریم خصوصی در فقه اسلامی، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق، <https://civilica.com/doc/503235>

فتحی، یونس و شاهمرادی، خیرالله (۱۳۹۱)، گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی، تهران، سمت.

معمار بهابادی، راضیه (۱۳۸۶) «بررسی فقهی حقوقی حریم خصوصی». کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. استاد راهنما: حسین صابری.

معبودی، عزیز (۱۳۹۱) «تحلیل حقوقی حقّ حریم خصوصی (حقّ خلوت) در اسناد و موازین بین المللی حقوق بشر». کارشناسی ارشد حقوق بین الملل. دانشگاه آزاد اسلامی تهران. دانشکده حقوق. استاد راهنما: عاطفه امینی نیا.